



ملاحظاتى دربارهٔ آغاز دورهٔ تاريخى در ايران شمالى بر اساس يافته‌هاى باستان‌شناسى*

محمود موسى

كشاورزى و توليد غذا (Food producing) شده بود. به وجود
فَرّ چه به شكل خالص و تَكَ عنصرى آن مانند مس و چه به
صورت تركيبى (آلياز) همچون: برنج (Brass) و مسفرغ
(Bronze) و حتى پارهاى فلزات كمياب گرانبها چون طلا و
نقره، پي برده بود. بر روى گل رس طرحها و نقشها رقم زده و
آثار هنرى فراوان خلق كرده بود. صنعت سفالگرى را به چنان
روح و اعتلايى رسانيده بود كه به جرأت مى توان ادعا كرد كه
سفالنه‌هاى پيش از تاريخى چه از لحاظ ظرافت و دقت در
شكل‌گرى آنها و چه از نظر نقش‌بردارى هنرمندانه بر روى
سفالها و پاروش و كتنيك ساخت و پرداخت آنها در تاريخ
هنر سفالگرى اهميت و ارزش والاى دارد، اما همچنانكه از اين
فرايندهاى تكاملى و قسروهاى معرفت بشرى به اهميت
دستيابى به خط يا پيدايش كتابت نبوده است.

اگر پيدايش خط و كتابت و آغاز عصرى را كه نزد
باستان‌شناسان و اهل تخصص "آغاز كتابت و نگارش"
(protoliterate)^۱ نام گرفته، انقلابى بزرگ و تحولى ژرف در
طول تاريخ حيات انسان بر روى كرهٔ ارض به شمار آوريم،
سخن به گزاف نگفته‌ايم، زيرا كه آدمى با گذر از اين مرحلهٔ
تكاملى قدم در روشنايىهاى تاريخى گذاشت و با ثبت و ضبط
مكتوبات ذهنى و فكرى خود، دفتر عمر سنجى و گذارى
مادى و نقشى جاودانه زد و با نقر و سطر سطرى چند بر روى
الواح گلى شكسته، يا بر پيشانى صخره‌هاى صعب و سخت و
نيز بزرگ و ورق به دست آمده از ساقهٔ گياه "پاپيروس"^۲، هفتى
ناپايدار خويش را به جاودانگى پيوند داد و با جادوى خط
براي آيندگان پيامها گذاشت و گذشت.

پيش از ورود به عصر تاريخى، انسان در سير تكاملى
خویش گامهاى بلند برداشته و جهش بسيار كرده بود. از زندگى
محقر و بدوى درون غارها و شكافهاى سنگى تا مرحلهٔ
استقرار در دشت و نهايتاً رسيدن به كمال شهرنشينى
(Urbanism) راه پربخ و خم و دور و درازى را پيموده بود
و "انقلاب نوسنگى"^۳ را با همهٔ زير و بم آن تجربه كرده بود. با
هفت و پشتكار، گروهى از گياهان و حيوانات وحشى و اهلى
كرده و به خدمت خود درآورده بود. از مرحلهٔ شكار و
گردآورى غذا (Food gathering) عبور كرده و وارد دورهٔ

ظهور نخستين علائم نوشتارى بر روى الواح گلى
مكتوبه از دورهٔ چهار لابه B فرهنگ "آروك" (Uruk)^۴ و
"جمدت نصر" (Jemdet Nasr)^۵، جلگهٔ ميانه رودان را وارد
مرحلهٔ جديدى از حيات فرهنگى كرد كه به عصر نسدنهاى
بزرگ معروف شده است.^۶

همزمان با ايجاد معمارى معابد و پيرستگاههاى
بزرگ،^۷ در "آروك" IV، نمونه‌هاى ابتدائى و بسيار كهن خط
ظهور كرد و دقيقاً از اين زمان به بعد جلگهٔ ميانه رودان قدم در



۱- تپه‌ها و مراکز می که اسناد خط تصویری از آنها کشف شده است.

عصر تاریخی خود گذاشت.^۸

به‌شماره‌ها براساس یافته‌های موجود باستان‌شناسی نمی‌توان تاریخ دقیق و قطعی برای این مرحله تصویری به دست داد، اما یکی از سده‌های نیمه دوم هزاره چهارم پیش از میلاد، شاهد چنین اتفاق مهم در میان‌رودان بود، بر طبق آخرین جدول گسسته‌نگاری^۹ (Chronology)، باستان‌شناسی^{۱۰} جیسلر میان‌رودان، دوره آروکک به‌جهدت نصر که در قلمرو فرهنگ سومری بوده، آغازگر کتابت در میان‌رودان به‌شمار می‌رود و سده‌های بین ۳۲۰۰ تا ۲۹۰۰ پ.م را می‌توان مرحله گذر از پیش از تاریخ به عصر تاریخی دانست.^۹ در لایه ۱۷ فرهنگ آروکک، پانصد تا شصت لوحه نقر شده بر گل رس کشف و طبقه‌بندی گردید. علائم حک شده بر روی این الواح به خط و شیوه تصویری^{۱۱} (Pictography)،^{۱۲} تصاویر حیوانی و اشیاء و مناظر طبیعی را که در زندگی روزمره اقوام ساکن میان‌رودان جنوبی نقش تعیین‌کننده داشته‌اند، گوسفند

گاوه ماهی، پرندگان تالایی، سطل شیر، ابزار آلات کشاورزی و ... نشان می‌داد، احتمالاً نقر و حک که این علائم نموداری، تصویری، مرموز، فرورفته و گسترده بر روی گل رس به وسیله نوعی نی که در باتلاقهای جنوب میان‌رودان می‌روید و به وفور وجود داشته انجام گرفته است، عده‌ای از دانشمندان این مجموعه علائم تصویری کوچک و ساده و با تصاویر را بی‌درمنا پیدایش خط میخی می‌دانستند و معتقدند که علائم نموداری اولیه در سیر تکاملی خود به مثقال یا صیغ تبدیل شده‌اند.^{۱۱} از دوره آروکک ۷ و VI نیز اشارات باستان‌شناسانه مبنی بر حضور و ظهور خط میخی سومری به رأی‌العین^{۱۲} مشهود شده است.^{۱۳}

در اسناد و الواح مکتوب اولیه هنوز از متون و آثار ادبی درخشان و روایات حماسی ردپایی موجود نیست، بلکه مفاهیم الواح بیشتر سباه‌های تجاری و بازرگانی و همانهایی است که والتر هینس (Walther Hinz) آنها را ابزار کمکی

حسابداری ذکر کرده است. ۱۴ این علامت بر اساس کشف رمزهایی که از آنها شده عمدتاً مربوط به تحویل نان و آرد به افراد مختلف یا سزدهای پرداخت جیره و تحویل اجناس به معابد و مقامات است. ۱۴

شده‌اند، همچون حسامه - انمرکار و لوگمال باند - (Anmerkar and Lugalbanda) یا حسامه - گیلگمش (Gilgamesh) و افسانه طوفان تکامل یابد و مباحث پیچیده صرف و نحو زبان سومری در این الواح مطرح گردد.

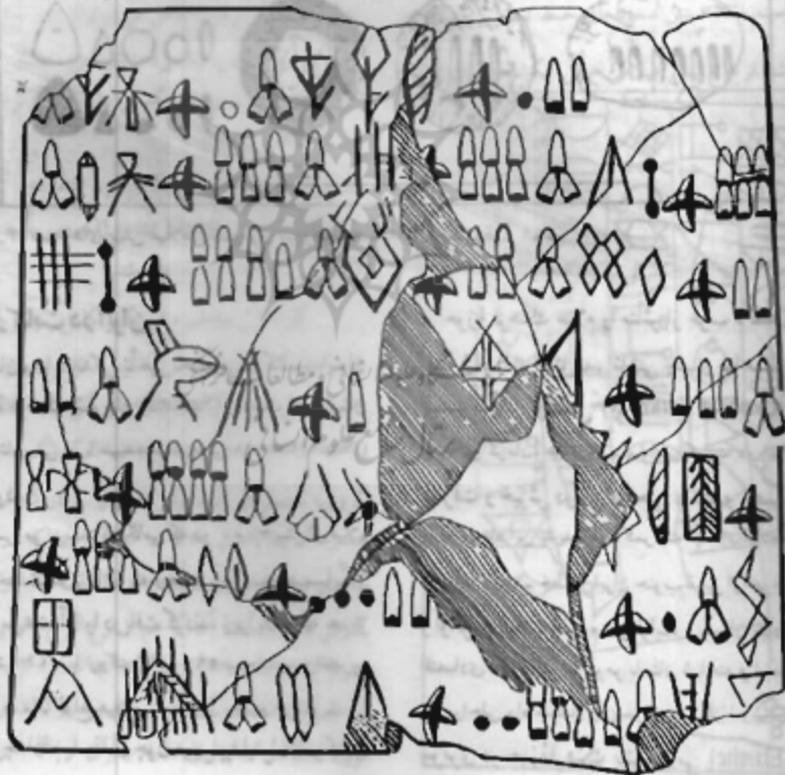
می‌تواند این کاتبان آندیشند سومری که تعدادشان به هزاران تن بالغ می‌گشت، ۱۵ بودند که برای نخستین بار جهان شرق باستان را با مشعل فروزان کتابت و تاریخ، روشناسی بخشیدند و از این بابت سهم عمده‌ای در پایه‌ریزی فرهنگ بشری دارند.

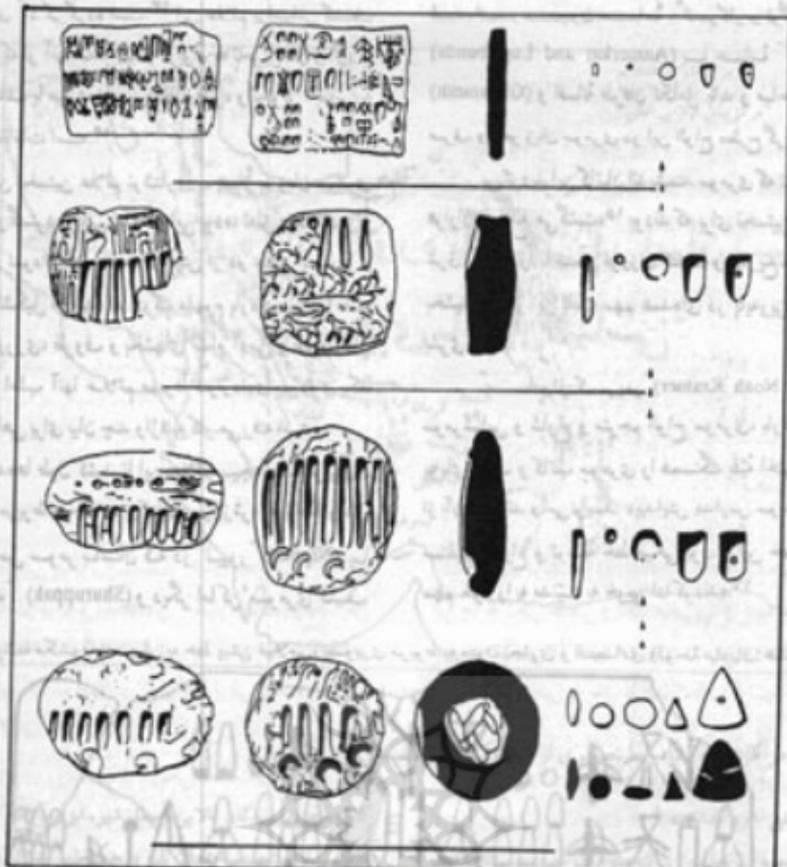
ساموئل کسریمر (Samuel Noah Kramer)، سومرشناس و شاعر و مترجم الواح سومری، بارقه‌های ذهن پویای ادیب و کاتب سومری را همسنگ بقای اختراعات پس از آن می‌داند و می‌نویسد: «پیدایش مدارس سومری نتیجه مستقیم اختراع و توسعه خط میخی بود. با این خط سومریها سهم خود را به مدیثت به خوبی ادا کردند.» ۱۶

این نخستین علامت نوشتاری محتملاً به زبان سومری که به طور گسترده زبانی تک‌هجایی بوده، تعلق داشته‌اند. از تصاویر و نمودارهای متعدد (بیش از دو هزار تصویر و علامت) تشکیل می‌شده‌اند. درک مفهوم پاره‌ای از آنها مانند ابزار کشاورزی، ظروف و بخشهای اندام آدمی و غیره آسان است، اما اغلب آنها علامت صرفاً قراردادی بوده و یک علامت گاهی برای بیان چند واژه به کار می‌رفته است.

سده‌ها طول کشید تا این علامت پیچیده تصویری - نموداری مربوط به حساب و کتابهای روزمره به شاهکارهای ادبی حماسی سومر باستان که در «نیپور» (Nippur) یا «شروپاک» (Shuruppak) و دیگر اماکن سومری کشف

۲- گِل نوشته‌شده مکشوفه از شوش به خط پیش‌عیلامی، تصویری مربوط به متون تجاری و اقتصادی (الوحه مادبان: هشت)





۳- نمونه‌های پیش‌عیلامی تصویری مربوط به حسابداری، میکشوده از شوش

عصر آغاز کتابت در ایران

شاید همزمان و یا با اندکی تأخیر بخشهایی از کشور ایران یعنی حوزه فرهنگ شوشان (Susiana) و دشت خوزستان وارد عصر تاریخی و یا سبدهدم تاریخی (Proto-History) خود می‌شود.

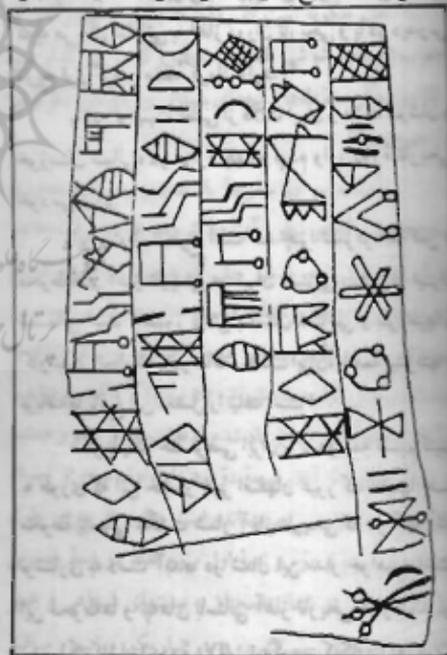
هینس می‌نویسد: هنگامی که در ۳۰۰۰ پیش از میلاد سومریان خط تصویری را به وجود آورده‌اند، هسایگان عیلامی به سرعت آن را دریافت کرده‌اند. زیرا بلافاصله بعد از آن در شوش Ch که با اروک III (۲۹۰۰ پ.م) در بین‌النهرین هم‌دوره بود، ما نا‌الواحد عیلامی تصویری رو‌برو می‌شویم. ۱۷ گرچه اغلب محققان چون هینس پیدایش خط و کتابت

در حوزه فرهنگ عیلام را متأثر از غرب دانسته و برای آن ریشه میان‌رودانی قائل‌اند، اما تنی چند از صاحب‌نظران همچون لانسبرگ کارلوفسکی (Lamberg Karlowsky) کاوشگر تپه‌بسی کرمان، عامل مهم پیدایش کتابت در ایران را نتیجه پیشرفت و خیزش درونی و محلی دانسته و عنصر میان‌رودانی را در ایجاد این پدیده مهم کمرنگ قلمداد کرده‌اند. ۱۸ بدین معنی که اگر هم خط در ایران جنوب غربی اواخر هزاره چهارم و اوائل هزاره سوم پ.م در فرایند و جریان مبادلات متقابل اقتصادی - فرهنگی با سومر باستان شناخته و اخذ گردید، اما در مرحله راه مستقل را پیچود و هرگز نوشتار تصویری سومری در حوزه فرهنگ پیش‌عیلامی (Porto-Elamite) ۱۹

در شوش Bk که آن را همزمان و هم‌دوره فرهنگ داروک IV (اروک متأخر) و جمدت نصر در میانرودان دانسته‌اند،^{۲۱} به یکباره ما شاهد تغییراتی شگرف در شیوه معماری و صنعت سفالگری در مقایسه با دوره سابق آن هستیم.

معماری خشتی در این دوره، شکل هندسی تری و منظم‌تری پیدا می‌کند. ساخت ظروف سفالین متشوش ناگهان متوقف می‌شود و سفالینه‌های قرمز نکرنگ با دست و توک توله‌یی جای ظروف سفالی متشوش را می‌گیرد. سفالینه‌های متشوش و الوان (Polychrome) دوره قبل جای خود را به سفالهای نکرنگ (Monochrome) می‌دهد و مهتر از همه نوعی ظروف سفالی معروف به سنگهای (بِه و اریخته) (Beveled rim bowls) رواج فراوان می‌یابد که مشخص آغاز کتابت در حوزه فرهنگ شوشان است. این همه خبر از ایجاد یک تحول مهم فرهنگی را می‌دهد که مقدمه ورود به عصر تاریخی است. اما نخستین نمونه‌های خط تصویری پیش

از گل نوشته از نوع پیش‌عیلامی خطی، مکشوفه از شوش



عیلامی (پروتو‌عیلامی) در لایه Ch شوش ظاهر می‌شود که هم‌دوره جمدت نصر، در میانرودان و کمی جدیدتر از لایه IV در اروک (اواخر هزاره سوم پ.م) است.^{۲۲}

سمن کاوشهای باستان‌شناسان فرانسوی در اواخر قرن نوزده میلادی در شوش دو لوح گلی با نوشتاری نامشخص به دست آمده که «شیل» (V. Scheil) آنها را استاد میخی نام داد. در سال ۱۹۰۱ میلادی، هیأت فرانسوی به سرپرستی ژاک دومورگان (J.de Morgan) در تپه آکروپل شوش متجاوز از چند صد لوح گلین مشابه همان دو لوح قبلی به دست آورد. چون این الواح به همراه چند سنگ نوشته به خط میخی آکادی مربوط به عصر آخرین حکمران سلسله آوان (Awan) یعنی «پوزورایشوشناک» (Puzur Inkušinak)^{۲۳} کشف گردیده، و شیل را بر آن داشت تا الواح به دست آمده را به عصر آخرین شاه آوان متسبب سازد و نام «پروتو‌عیلامی» را به آنها اطلاق کند.^{۲۴} آنچه را که شیل نگارش پیش‌عیلامی نام داد، در حقیقت سه شیوه و نوع متفاوت از گونه‌های خط تصویری - نموداری را شامل می‌شود که چند هزار سال در قلمرو فرهنگ پیش‌عیلامی متداول بوده است:

۱- گسوه یا تپه‌های گلی (Bullae) و الواح عددی (Numerical Tablets)

۲- لوح پیش‌عیلامی مربوط به متون اقتصادی

۳- عیلامی خطی (Linear Elamite) که عموماً متن کتیبه‌های شاهی بین‌النهرین نوشته شده است.

گرچه این سه شیوه هر یک تکامل یافته روش ماقبل خود است اما یک هزاره طول کشید تا الواح عددی به عیلامی خطی تبدیل شود.^{۲۵} از نوع تپه‌های گلی (Bullae) به تعداد زیادی در اندازه‌های مختلف و اشکال گوناگون: مخروطی، کره‌ای، تخم‌مرغی، مستطیلی شکل و... در کاوشهای شوش خصوصاً در لایه‌های ۱۷ و ۱۸ تپه آکروپل که در دهه هفتاد میلادی توسط «لوبرون» (Le Brun) باستان‌شناس فرانسوی کاوش شد، به دست آمده که هم از نوع الواح رقمی و هم اثر مهر (Seal impression) در میان آنها وجود داشت. تمامی این الواح که نخستین گامهای خط و نوشتار به شمار می‌روند، مورد استفاده حسابداری داشته و برای ارسال مال التجاره و

اگر طبقه بندی و سبب نوشته های مکتوبه از شوش، از این نوع را به دوره آخرین شاه سلسله آوان متب دانسته ۲۷ صحیح بدانیم، پیدایش و تکامل این شیوه نوشتار به اواخر هزاره سوم ب.م یعنی هزار سال پس از آغاز دوره تاریخی در سوزمین عیلام برمی گردد.

گفته شده از الواح مکتوبه در شوش به این خط، مهمترین متن و اثر که حاوی این نوع نوشتار است، جام تفرهای عیلامی است که در سال ۱۳۴۵ خورشیدی ضمن حفر چاهمی در حوالی تخت جمشید به طور تصادفی کشف شد. و همین زبان شناس و مستشرق قنبد آلمانی، متن نوشته روی جام را قرائت کرد و مشخص گردید که این اثر از زنده تعلق به قرن ۲۳ ب.م دارد. ۲۸

به هر حال این نوع کتابت گامی به طرف کتابت میخی عیلامی ادوار بعدی است و حالت هجایی داشته است.

صرف نظر از آثار مکتوب پیش عیلامی، ذکر شده که عموماً در حوزه فرهنگ شوشان و عیلام و یا قلمرو نفوذ آن کشف و شناخته گردیده اند، باید از علائم نوشتاری تصویری بر پارهای از خمره های سفالی به دست آمده از کاوشهای هیأت باستان شناسان ایرانی به سرپرستی علی حاکمی یاد کرد که به هر حال اشاراتی به آغاز دوران تاریخی و یاد دهنده تاریخ قرار گرفتن منطقه کرمان دارد. ۲۹

به این ترتیب مناطقی از فلات ایران و دشت شوشان و خوزستان شمالی، در هزاره چهارم ب.م وارد دوره تاریخی خود می گردد.

این سوال مطرح است که چرا تمرکز انسان و محوطه های آغاز تاریخی در ایران جنوبی بیشتر از ایران شمالی است؟ هنوز دانش باستان شناسی و بررسیها و کارهای انجام شده در نقاط مختلف ایران، با همه پیشرفتها و نوآوریها پاسخ این معضل را نیافته است!

اگر با یک خط فرضی ایران را به دو نیمه تقسیم کنیم، به طوری که این خط از شهر اصفهان عبور کند، تنها چند محوطه باستانی انگشت شمار آغاز تاریخی که در آنها آثار نوشتاری به دست آمده، در شمال این مدار خواهیم داشت این محوطه ها و تپه های باستانی آغاز تاریخی عبارتند از تپه سلیکه کاشان (دوره IV) - تپه گودین کنگاور (دوره V)



ش - گرتة نقش برجسته بر صخره - از آوبانی می پادشاه لولوبیان - نیمه دوم هزاره سوم ق.م.

کالا به کار می رفته اند.

از این نوع نوشتار در دیگر محوطه های باستانی مانند: چغامیش، گودین تپه کنگاور دوره ۷، تپه سلیکه کاشان دوره IV نیز کشف شده است.

از نوع الواح پیش عیلامی مربوط به متون تجاری و اقتصادی که کتابت جنبه اندیشه نگارانه (Ideographic) بیشتری به نسبت نوع اول دارد به تعداد فوق العاده زیادی در لایه ۱۶ شوش به دست آمده است. ضمناً از این نوع در تپه سلیکه و تپه قصیر و امهرمز، تپه یحیی کرمان، تل طیان دشت یضای فارس و شهر سوخته زابل کشف شده است. ۳۰

نوع سوم یعنی عیلامی خطی (Linear Elamite) نوع تکامل یافته تر نوشتار پیش عیلامی است. گرچه برای این اصطلاح که نویسندگان متأخر متون باستان شناسی و زبان شناسی غربی مکتور آن را به کار برده اند معادلی در زبان فارسی نداریم ولی این شیوه و سیاق پیچیده و رمزی، هنوز به طور کامل کشف رمز نشده است. اثنا باید از تلاشهای مستقانی چون ونسان شیل و والتر هینس و سایر زبان شناسان و متخصصان زبانهای باستانی در دستیابی به معانی این نوشتار قدر دانی کرد.

هر دو تپه‌های باستانی نامبرده که در آنها کاوش علمی باستان‌شناسی انجام شده در شمال خط فرضی ما قرار دارند. در «سیلکه» که توسط هیأت فرانسوی اعزامی از طرف موزه نورد به سرپرستی «رومن گیرشمن» (R. Ghirshman) حفاری شد، الواحی از نوع پیش عیلامی مربوط به متون تجاری و اقتصادی کشف شد که براساس نظر کارشناسان اشاره به وقوع یک دوره تحوّل در «سیلکه IV» دارند و این تحول ژرف خود بر اثر روابط تجاری و بازرگانی بین اقوام ساکن سیلک در هزاره سوم پ.م با عیلام و شوش به وجود آمده است.^{۳۰}

«کاپلر بانگ» (T.C. Young) کاوشگر گودین «سه» تحلیل و تبیین برای وجود الواح مکتوب در «گودین V» دارد. تولید آنها (منظور الواح نوشتاری پیش عیلامی است) در شوش انجام گرفته و سپس به گودین حمل شده است. توسط جمعیت یومی گودین تولید شده است. تولید آنها در محل توسط شوشیها انجام گرفته است.^{۳۱} و سپس خود نظر سوم را به واقعیت نزدیکتر دانسته و اعتقاد دارد که بازرگانان شوشی الواح را در خود گودین به وجود آورده‌اند.^{۳۲}

حالا چگونگی است که روابط تجاری و بازرگانی با جنوب (عیلام و شوش) فقط در سیلکه و گودین اثر گذار بوده اند در دیگر محوطه‌ها و تپه‌های باستانی ردهای این دگرگونی را نمی‌توانیم.

متأسفانه جز دو محوطه یاد شده و چند اثر معدود و منحصربه‌فرد که در دستور آیتده ذکر آنها خواهد رفت، ما در شمال خط فرضی خود چیز چشم‌گیری مبنی بر مطالعه تاریخ (به مفهوم رواج خط و کتابت) سراغ نداریم و تا آخر مهم‌ترین سند تاریخی ایران بر پشانی صخره کوه بیستون کرمانشاه است دست داریوش اول هخامنشی (۵۲۰ پ.م) با کتب متعدد و مآخذ نوشتاری در قلمرو یاد شده از فلات ایران روبرو هستیم و ایران شمالی تا آغاز نیمه دوم هزاره اول پ.م از اسناد تاریخی و مکتوب بی بهره مانده است و نور تاریخ در طول هزاره‌های سوم و دوم و نیمه اول پ.م فقط در نیمه جنوبی می‌نابیده و بس و شمال همچنان به ستهای سفاهم و غیر مکتوب خود پای می‌فشرده و در تاریکی و ابهام مساقل

تاریخی باقی برده است. آثار مکتوبی که استثنائاً در قلمرو شمال فلات ایران تا کنون کشف و شناخته شده‌اند عبارتند از:^{۳۳}

۱- نقش برجسته و کتیبه آکدی متعلق به «آبوبانی» (Annubani)، حکمران لولویی، سروری صخره‌ای دو سرپل ذهاب کرمانشاه که به هزاره سوم پ.م متعلق داشته و هم‌دوره با سلسله سوم (دوره در بین‌النهرین است) در پاکونوف این اثر را مربوط به قرن ۲۲ پ.م می‌داند.^{۳۴} شاید نقش برجسته و کتیبه سرپل ذهاب به دلیل موقعیت جغرافیایی آن که در مرز متصرفات لولوییها و نزدیکی جلگه مبارودان واقع بوده، تحت تأثیر فرهنگ غرب فلات ایران به وجود آمده باشد.

۲- سنگ نوشته‌های اورارتویی حوزه سیلان که احتمالاً در مرز شرقی حکومت اورارتو قرار داشته، در سه نقطه برداشته می‌گردد سیلان به یادگار مانده‌اند. این سنگ نوشته‌ها به خط صخی اورارتویی است و متشکل است بر سه کتیبه: نشتان - وازلیق - سفلی.

۳- سنگ نوشته کلشین



گرچه هنوز متن آنها مورد مطالعه قرار نگرفته و تاریخ قطعی برای این سه اثر مکتوب ذکر نشده است، اما آنچه مسلم است آنها مربوط به سده هفتم پ.م بوده و مقدم بر کتیبه بیستون هستند.^{۳۵}

۳- سنگ نوشته میخی اورامانات، این سنگ نوشته به خط میخی بابلی است و در ننگ معروف به «زینانه» (Zinaneh) برپشتهای کوهی بنام «ماکه» کنار آبادی «تنگپوره» حک شده است. این اثر در سال ۱۳۴۷ نخستین بار در بررسیهای هیأت باستان شناسان ایرانی به سرپرستی جنود بابک راد کشف گردید. گرچه هنوز قرائتی از آن در دست نیست اما با توجه به نوع خط می توان آن را به نیمه اول هزاره اول پ.م مستتب کرد.^{۳۶}

۴- سنگ نوشته یا اسل (Stele) «کله شین» (Kalehshin)؛ این اثر تاریخی و مکتوب قبلاً در وسط گردنه کوهی که «اشویه» را از دروندوزه جدا می سازد نصب بود و به عنوان یکی از میله های مرزی (مرز بین عراق و ایران) به شمار می رفت.

کسی نمی داند که این سنگ نوشته در منطقه مرزی بالای گردنه دروندوزه، در سر جای اصلی خود در مسیر و معبر باستانی که بخشهای شمالی اورارتو را به معبد اورارتویی «موساسیر» (Musasir) متصل می ساخته قرار داشته یا آنکه در زمانهای بعد به این مکان منتقل شده است.^{۳۷}

در روزهای جنگ تحمیلی (ایران و عراق) از آنجایی که سنگ نوشته در معرض تهدید و خطر نابودی قرار داشت به دست همکاران باستان شناس از محل خود برداشته شد و به موزه ارومیه منتقل گردید و هم اکنون در موزه نامبرده حفظ و نگهداری می شود.^{۳۸}

هنری راولینسون (Henry Rawlinson) مستشرق شهر انگلیس در شمار نخستین کسانی بود که در سال ۱۸۳۸ میلادی از آن بازدید کرد ولی به دلیل برف و بوران زمستانی نتوانست از آن نسخه برداری کند.^{۳۹} سنگ نوشته به دو زبان و خط آشوری و اورارتویی در سال ۸۱۴ پ.م به دستور «اِشپوئینی» (Ispuini) شاه اورارتو در سنگی به ارتفاع ۱۱۲ سانتیمتر و عرض ۷۰ سانتیمتر و قطر ۳۳ سانتیمتر نقر شده

است.
۵- در سال ۱۳۵۵ شمسی سنگ نوشته (اسل) اورارتویی دیگری به خط و زبان اورارتویی و آشوری حاوی مطالبی از زمان روسای اول (Rossa) پسر سازدوری (Sardori) شاه اورارتو در ۲۵ کیلومتری غرب «اشویه» در دره «سرگه کاروان» کشف گردید.

ضمناً گویا در محلی بنام «دانش تپه» میبند و آب سنگ نوشته ای به زبان اورارتویی وجود داشته که در حال حاضر به خارج از ایران منتقل شده است.^{۴۰}

۶- سنگ نوشته مکتوبه از پل ذهاب کرمانشاه، این سنگ نوشته که حاوی خط میخی بابلی و نقش برجسته است از سری سنگهای معروف به «کودورو» (Kuduro) (سنگهای علامات مرزی و ارضی در دنیای باستان) است، در سال ۱۳۴۵ در پل ذهاب کشف شد و متعلق به «سر دوک آپال ایدین» (Marduk Apal Edin) یکی از آخرین حکمرانان کاسی است که حوالی قرن ۶ پ.م در بابل حکومت می کرده است. شاید این اثر در غلّه غلامیها بر بابل، همچون بسیاری از آثار مکتوب دیگر به صورت غنیمت جنگی به ایران آورده شده است اما کسی نمی داند که چگونه به پل ذهاب برده شده است.^{۴۱}

۷- سنگ نوشته «ستون یادمان» به طول ۱/۵ متر و عرض ۸۰ سانتیمتر در روستای فلاجی بوکان که در کاوشهای هیأت باستان شناسان ایرانی به سرپرستی اسماعیل (احسان) یغمایی در سال ۱۳۶۴ کشف شد. این سنگ نوشته دارای ۱۳ سطر به خط آرامی کهن است. در این کتیبه از خاندانی (Khalidi) خدای بزرگ اورارتوییان و شهر ایزیرتو (Izertu) پایتخت مائنا نام برده شده است.^{۴۲}

۸- نقش برجسته و کتیبه آکدی موجود در محلی بنام «هورین شیخان» در ۲۰ کیلومتری شمال پل ذهاب، در حال حاضر این اثر در خاک عراق قرار گرفته است.

۹- همچنین کتیبه اورارتویی دژ قلانگاه، در دره اشو در نزدیکی اشویه، که «ماسا کارلا» (O.W. Mascarella) طی کاوش باستان شناسی در آن دژ کشف کرد و «وان لون» (M.N. Van Loon) با مطالعه آن دریافت که به روزگار



۱- نقش برجسته «لی شیر» پیر عینی» بر صخره پاهان هزاره سوم ق. م. گرنه هورین شیخان

این کتیبه‌ها را معرفی کرده است. ۴۸

۴- در سال ۱۲۹۹ شمسی طی کاوشهای غیر علمی گنجینه‌ای در همدان (احتمالاً اراضی تپه هگمتانه) کشف گردید و دو

لوحة زرین به نامهای «آریا رمسه» (۶۴۰ - ۵۹۰ پ.م) نیای داریوش اول و برادر کرورش اول هخامنشی و «آرشام» پند داریوش دو این مجسوعه وجود داشت که اگر در اصالت آنها تردید نکنیم باید آنها را قدیمیترین الواح میخی پارسی باستان بدانیم که سابقاً قبل از به وجود آمدن کتیبه بیستون، حک شده است. ۴۹

۵- چند تیرورین مفرغی مکشوفه از لرستان که حاوی خطوط کدی و بابلی هستند. ۵۰

۶- کتیبه مقور بر روی شمشیر مفرغی به خط میخی بابلی میانه که تازه کشف شده است. ۵۱

۷- اشیای کتیبه دار گنجینه منسوب به کلاما کره. ۵۲

*

و اما در شمال ایران یعنی دشت تهران و حوزه استان تهران و کرانه‌های جنوبی دریای مازندران و خراسان شمالی حتی تا عصر ساسانیان آثار مکتوب سراغ نداریم. متأسفانه در هیچکدام از کاوشهای باستان شناسی شمال ایران خصوصاً گیلان و مازندران هیچ کتیبه‌ای و نوشته‌ای از محوطه‌ها و گورهای باستانی به دست نیامده است. در تمام کاوشها و بررسیهای نگارنده در حوزه اشکور دیلمان و عمارلو و

گذشته از آثار و اسناد مکتوب غیر منقول ذکر شده، اشیاء و آثار منقول چندی نیز در نقاط مختلف ایران شمالی و اغلب به طریق غیر علمی، توسط اشخاص کشف و به موزه‌ها و مجموعه‌های جهان راه یافته است. شایسته‌ترین این آثار عبارت‌اند از:

۱- مجسمه و تندیس مفرغی مکشوفه از محل نامعلوم در پشت کوه لرستان (استان ایلام امروزی) که «آندره گودار» (Andre Godar) بسز اساس قسراست «ژورژ کنتو» (George Contenau) از کتیبه موجود بر روی لباس آن، این تندیس را «رب التوسع شهر باستانی» «دشتوتیر گازی» (Deshotir Gazi) معرفی کرده است. ۴۴

این مجسمه مردی را با دیش چانه‌ای و شمشیری به کمر نشان می‌دهد. بر روی دامن آن ۵ سطر به خط میخی بابلی نو موجود است و کنتو تاریخ آن را ۶۰۰ تا ۵۰۰ پ.م ذکر کرده است. ۴۵

۲- کتیبه آشوری که توسط «کاپلر پانگه» از حوالی گودین تپه کشف و در حال حاضر در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود. ۴۶

۳- چند کتیبه آکادی که «ارنت هرستفلد» (E. Herzfeld) از حوالی همدان کشف کرد ۴۷ و بعدها «کالمایر» (P. Calmeyer)

۷- کتیبه آرامی بوکان



رحمت آباد گیلان که متجاوز از ۸۰ محوطه و گورستان باستانی مورد بررسی و کاوش باستان‌شناسی قرار گرفت جز گورهای اواخر دوره ساسانی که سکه‌های مربوط به هرمز چهارم به بعد به همراه جسد دفن شده و حاوی نوشته پهلوی (نام پادشاه و یا نام ضرابخانه) بود هیچ سند مکتوب دیگری به دست نیامد.

در عصر تمدنهای طلایی اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول پ.م حوزه کوهستانهای گیلان و طولش و خنخال و مازندران که هنر فلزکاری و سفالگری و سایر هنرهای تجسمی در اوج شکوفایی و اعتلای خود بود و هنرمندان شاهکارهایی چون گنجه‌های کلاردشت - مارلیک - کلورز و بسیاری از این دست برای نسلهای آینده به یادگار گذاشته نیز، هیچ نوشته و خط و سندی را در دست نداریم. در تمام حوزه‌های که به حوزه تمدن رودبار و یا املش مشهور شده است جز چند نمونه اثر مکتوب کم اهمیت چیز زیادی به دست نیامده است که عبارتند: از دو ششی که گویا از کاوشهای غیر مجاز در حوزه مارلیک رودبار کشف شده و اکنون در موزه فیلالدلیا نگهداری می‌شوند و گیرشمن در کتاب هنر ایران، دوره ماد و هخامنشی، آن دو ششی را دو چشم‌بند سفرفنی مربوط به زین ابزار اسب معرفی می‌نماید که نام دو شاه اورارتو یعنی منوآ (Menua) - ۸۱۰ تا ۷۸۱ پ.م - و آرگیشتی (Argisti) - ۷۸۱ تا ۷۶۰ پ.م - به خط میخی اورارتویی بر روی آنها نقر شده است.^{۵۳} شاید این دو ششی نیز وارداتی بوده و از حوزه تمدن اورارتو آورده شده باشند. دیگر دو عدد مهر استوانه‌ای با خطوط میخی است که در کاوشهای تپه مارلیک به دست آمده‌اند و دکتر نگهبان کاوشگر مارلیک درباره آن دو توضیح می‌دهد: «ال سراج علوم» در حفاری چرافعلی تپه مارلیک در حدود یازده مهر به دست آمد که نشون آنها وحدت تمدنی و خصوصیات هنری اقوام ساکن در این ناحیه را در اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول پ.م نمایش می‌دهد. یکی از شهرها که در دو طرف با حاشیه طلا تزئین شده است مجلس شکاری را نمایش می‌دهد. دیگری مهر شکسته‌ای است که بر روی آن خطوط میخی مشاهده می‌شود. این مهر استوانه‌ای شکسته با خطوط

میخی برای مطالعه به آقای پرتوسور جورج کامرون است. خطوط باستانی خاورمیانه دانشگاه میشیگان نشان داده شد. ایشان آن را مطالعه و فراتر کردند. نوع خط روی این مهر و علامت خدا یان نمی‌تواند از اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول قبل از میلاد جدیدتر باشد و این طرز خط از این دوران به بعد منسوخ شده است (دوران تیگلات پلاسرا ۱ و اداد نیراری II).^{۵۴} حتی در جستجوی در مهم باستانی شمال غرب ایران با آن جام طلای آرزو داشت، تنها چند نشانه بسیار کوتاه به خط و زبان میخی اورارتویی به دست آمده و جای آثار مکتوب مفصل حالتی بوده است.^{۵۵}

این مقدار موارد ناچیزی بود که در کاوشهای شمال ایران کشف و شناخته شده است. آنها تقریباً دو هزاره بعد از عصری که روشنیهای تاریخی حوزه تمدنهای مستقر در میانرودان و سرزمین عیلام و ایران جنوبی را روشن می‌دانشه است.

گرچه چون و چرایی این ابهام تاریخی از عمق‌های باستان‌شناسی ایران به شمار می‌رود هنوز نمی‌توان علت مشخصی برای این فقدان و معضل ذکر کرد.

عده‌ای نظر داده‌اند که فرهنگ باستانی فلات ایران به عکس ایران و بین‌النهرین و مصر بیشتر یک فرهنگ کرداری و گفتاری بوده‌است و ایرانیان کمتر به نوشتار رغبتی نشان می‌داده‌اند و مثالی که می‌آورند آن است که این هرودوت و دیگر مورخان یونانی بودند که درباره سادها قلمفرسایی کرده‌اند و گرنه از خود آنها هیچ خط و سندی که گره‌گشای خط و زبان مادی باشد سراغ نداریم.

شاید ساختار اجتماعی و سیاسی جوامع باستانی فلات ایران چنان بوده که طبقه کاهنان و روحانیان کتابت را در انحصار خود داشته‌اند و لذا خط و کتابت و شیوع سریع نیافته است؛ شاید شاهکارهای هنری و باستانی که از قسور مردگان کشف می‌گردد نه یک هنر بومی، بلکه نوعی غنیمت جنگی بوده که از دیگر مراکز تمدنی آورده شده است و گرنه چگونه ممکن است سازندگان جامهای طلایی مارلیک با خط و کتابت بیگانه باشند.

فرض آخر هم آن است که کاوشهای منسجم و

روشندانه باستان‌شناسی در این مناطق انجام نیافته و بیشتر مطالعات انجام شده تک نگاری (monographic) و سرسری بوده است و تا تمام صفحات این گفته کتاب پیدا نگردد و صحافی نشود مطالب چند صفحه آن نارسا و نامفهوم خواهد بود.

امید آن می‌رود تا با پژوهشهای همه جانبه و مستمر بی‌گیری و با به دست آوردن شواهد و مدارک بیشتر و تازه‌تر در آینده پاسخ مناسب جهت این معضل مهم باستان‌شناسانه به دست آید و به پاری داده‌ها و یافته‌های جدید باستان‌شناسی بتوان کلید حل این معما را به دست آورد.

*

خلاصه‌ای از این نوشته به عنوان سخنرانی نگارنده در اولین گردهمایی کتبه و متون کهن، اسفند ۱۳۷۰ در شیراز ارائه شد.

پی‌نوشتها:

۱- برابر واز، به واژه "Protoliterate" آغاز ادبیات است. ولی از دید باز در متون باستان‌شناسی با عنایت به مفهوم فرهنگی این اصطلاح، برای آن آغاز نگارش را پیشنهاد کرده‌اند.

۲- پاپیروس (Papyrus) گیاه آبی نی مانند، با نام علمی [Cyperus Papyrus] که اکنون در مصر زوال یافته، ولی در مصر باستان مورد استفاده فراوان بوده است. ریشه آن را برای سوخت، مغز را برای خوراک و ساقه‌اش را برای ساختن طناب و سبک‌ساز گسترده شده برای تهیه بادبان، پارچه و رنگهای که بر آن می‌نوشتند به کار می‌بردند. واژه Paper به معنی کاغذ از پاپیروس گرفته شده است.

3- Burney, C.: 1977. *From Village to Empire: an Introduction to Near eastern Archaeology*, (Oxford) p.9.

نیز برای انقلاب نو سنگی بنگرید به: مجیدزاده، یوسف، ۱۳۶۸. آغاز شهرنشینی در ایران (تهران: مرکز نشر دانشگاهی)، ص ۳ و پس از آن: *Warka and Samawa* ۲. اروک (عمان) Erech کتاب مقدس و Warka جدید) در بیابانی وسیع در میانه‌ی شاهراه بغداد - بصره و نزه یکی شهر عربی ساموا (Samawa) واقع شده است. در ایام باستان اروک شهر خدایه شده به دو رباتنوع (Anu) (ربالتنوع آسمان) و رباتنوع Inanna (ایشتر سامی، رباتنوع خلق) بود. در میانه‌ی ویرانه‌های اروک باستان بقایای زیگورات E-Anna بنا شده از خشت خام واقع شده است که خانه بهشت به شمار می‌رفته و از ماقبل تاریخ تا دوره‌ی سلط هخامنشی

بازسازی و توسعه یافته است. بقایای معبد ABB که بسیار زیباتر از ABB است، در نزدیکی باقی‌مانده ABB در شمال شهر از ۱۹۲۸ تا آغاز جنگ دوم جهانی بمباران ۱۹۳۹ باستان‌شناسان آلمانی کارش کردند. در حاشیه‌ی سومری گینگمش نام آن ذکر شده و از دیوار عقیس که وی در آن ساخته، یاد گرفته‌اند.

۵- در ۱۹۲۵ آشورشناس بزرگی از آکسفورد، استن لینگدون (Stephen Langdon) کارشهای درج‌معدت نصر (عراق: موکزی) انجام داد. جمدت نصر میانه‌ی راه بغداد - بابل واقع شده است. مشخصاً این فرهنگ، سفالی خاص مشتمل بر سفالهای بزرگ ضخیم با نقوش هندسی و علامت طبیعی سیاه و قرمز بر روی سفال نخودی رنگ است که به مقدار کمی در جمدت نصر به دست آمد.

6-Lloyd, s; 19. *The Archaeology of Mesopotamia*, Thames and Hudson. (London), p.55.

۷- گریس، اس. ترجمه‌ی داود رسایی، ۱۳۲۰. الواح سومری، (تهران: این‌سیتا).

8- Hinz, W; 1972. "An inscribed Ancient Elamite Silver Vase". *Vth international congress of Iranian Art and Archaeology*, vol.1.

گرده‌گلی نوشته‌هایی که تئودره وولی (L. Woolly) در لایه‌ی زیرین گورستان شاهی اور در ۱۹۲۰ میلادی کشف کرده و گروه‌گلی نوشته‌هایی که کسار شگران آلمانی آنسدرآ (W. Andrae) و کسالدوی (R. Kutschera) در سرودک باستان‌شناسی Suruppak در اعمار غربت حاضر خیالادی به دست آورده چیزی جز فهرست اقلام و یا ستاج و اشخاص نیست.

Lloyd Op.cit (no 6), p.36.

9- Lamberg-Karlovsky, C.C.; 1986. "The Proto Elamites on The Iranian Plateau". *Antiquity* 52, pp.114-120.

والتیسیر هسینین تاریخ ۳۰۰۰ پ.م را قفسول داره و ژودرو (Georges Roux) ۱۸۰۰ و ۳۱۰۰ پ.م را دوره‌ی آغاز نگارش به

شماره‌ی اول و دوم و سبتون لوید (Seton Lloyd)، بر اساس کارشهای هیات آلمانی به سرپرستی لئسن (H.J. Lenz) در زیگورات آنو (Anu) (اوراک) تاریخ ۳۲۰۰ تا ۲۶۰۰ پ.م را برای دوره‌ی آغاز نگارش ذکر می‌کند.

۱۰- تصویرنگاری یا صورت‌نگاری مرحله‌ای در تکامل نظام نوشتاری که از شکل‌نگاری (Picture-writing) پیشرفته‌تر است و در اصول و معنا همان روش را برای انتقال مفاهیم به کار می‌برد. مرحله‌ی پیشرفته‌تر از آن عبارت است از آیدئوگرافی (Ideography). تصویرنگاری مفهومی بر پدایای دستگاه‌های نوشتاری مستقل (الفبا) است. در این مرحله‌ی تکاملی در خط تجلی و تخرید و انتزاع حاصل شده است.

گاور، البرین اثر ترجمه هانس مغیر و کورش صفوی، ۱۳۶۷. تاریخ خط (تهران: نشر مرکز)، ص ۹ و پس از آن.

۱۱ - احتمال می‌رود که نخستین علائم و تصاویر بر روی چوب یا روی پوست حیوانات و برگ درختان حک می‌شده‌اند که طبعاً این آثار از بین رفته‌اند و تنها الواح گلی تا زمان ما باقی مانده است.

The context of The Emergence of Writing in mesopotamia and Iran. Nissen, H.J.; 1993. *Early Mesopotamia and Iran*, edited by. John curtis, (London).

Roux, G.; 1964. *Ancient Iraq*, (A pelican Book, Great Britain), p.77.

S.Lloyd; 1978, p.56.

۱۲ - مقارن میانه هزاره سوم پ.م. خط میخی کامل (Cuneiform) از ریشه لاتینی (Cuneus) متولد شد.

۱۳ - این نوع کتابت که به قول هینس وسیله کمکی برای حسابداری، سومریان بوده جدا از تجربه‌ای است که مصریان باستان از در همان اواخر هزاره چهارم پ.م به اختراع خط تصویری و هیروگلیف رهنمون شده بود.

Hinz, W.; 1972. *The Lost World of Elam*, p.28.

14-Falkenstein, A.; 1936-49. *Archaische Texte aus Uruk*, (Leipzig).

Falkenstein, A.; 1959; *Das Sumerische* (Leiden).

۱۵ - کریمز، ۱۳۲۰، ص ۱۷.

۱۶ - کریمز، ۱۳۲۰، ص ۱۶.

17- Hinz, W.; 1972. *The Lost World of Elam*, (London), P.28.

18- Damerow, P/ Englund, R.K.; 1989. "Proto-Elamite Textes From Tepe yahya", *American School of Prehistoric Research, Peabody Museum and Harvard University, Bulletin*, 39.

Lamberg-Karlovsky, C.C.; "The emergence of Writing: Mesopotamia, Egypt and Indus civilizations", *Middle American Research Institute*, no. 57.

Lamberg-Karlovsky, C.C.; "The Proto-Elamites on The Iranian Plateau", *Antiquity* 52, pp.114-120.

۱۹ - اصطلاح Proto - Elamite که معادل فارسی آن از طرف حمدای از صاحبان قلم در دانش باستان‌شناسی (پیش‌عیلامی) پیشنهاد شده است، اول بار در آغاز قرن حاضر میلادی توسط ونسان شیل

هیأت (در عیلام دموگان) به کار گرفته شد. چون نخستین الواح مکتوبه از شوش به خط و زبان پیش عیلامی با الواح تصویری سومری تفاوتی چندی داشت. این نوع کتابت (پروتو عیلامی) نام گرفت و سپس این اصطلاح علاوه بر زبان و خط به فرهنگ حوزه دشت شوشان نیز در طلیعه فرهنگ عیلام اطلاق شد.

۲۰- وایت هاونس، ترجمه مهدی سعایی، ۱۳۶۹، نخستین شهرها (تهران: نسا).

مجله‌زاده، یوسف، ۱۳۷۰. تاریخ و تمدن ایلام (تهران: مرکز نشر دانشگاهی)، ص ۵.

21-Le Berton.; 1957. "The early Period at Susa, Mésopotamian Relations", *Iraq*, 19, Part 2.

۲۲ - مجله‌زاده، یوسف، ۱۳۷۰، ص ۶۱.

۲۳ - پرورد این‌شوشیناک (شکل سومری آن کونیک - این شوشیناک) نام آخرین حکمران سلسله آوان (عیلام قدیم) است که در اواخر نیمه دوم هزاره سوم پ.م است که با افول حکمرانی وی امپراتوری آوان از هم فرو پاشید و هرج و مرج به همراه تاخت و تاز گویا خود امپراتوری را فراگرفت.

24-Vallat, F.; 1986. "The most Ancient Scripts of Iran: The current Situation", *World Archeology* 17, No. 3.

۲۵ - همان مأخذ.

26- Alden, J.R. 1982. "Trade and politics in proto-Elamite Iran", *Current Anthropology* 23, No.6.

27- Scheil, V.; Documents en écriture proto-élamite *Mémoires de la déléation en Perse*, 2, (Paris).

28- Hinz, Op.cit (no 8).

۲۹ - این علائم از همان حاکمان گمانشگر گورستان شهداء کرمان استخراج و گردآوری و چاپ کرده است:

Hakemi, A.; 1976. *Écriture pictographique decou-verte dans Les fouilles de shahdad*.

30- Ghirshman, R.; 1938.; *Fouilles de stak près de Kashan*, Musée du Louvre Département des Antiquités orientales.

۳۱ - کاپلر یانگ، جاروی وایمز / ترجمه یوسف مجله‌زاده، ۱۳۶۶. هزارگان شوشی، محله باستان‌شناسی و تاریخ، ۴، شماره ۱، صص ۱۲-۱۳.

۳۲ - شاید کاوش علمی تبه کلیدی چغاگوانه واقع در شهر اسلام‌آباد غرب کرمانشاه که طی دو فصل به دست هیأت باستان‌شناسان ایرانی به سرپرستی محمود کردوانی انجام گرفته و تعدادی الواح میخی عیلامی

and Meinau at Qalatgah, Iran". *Journal of Near Eastern Studies* XXXIV, pp.201-207.

۴۴ - گدار، آنزله / ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، ۱۳۶۵. آثار ایران ج ۱ (مشهد: آستان قدس)، صص ۲۱۰-۲۱۲.

45- Ghirshman, R.; 1964. *Persia, From The Origins To Alexander The Great*, Thames and Hudson, P.56.

Vanden Berghe, L.; 1973. *Bronzes: Iran - Luristan caucatus*. René joffroy.

46-Levine, L.D.; 1972. "The Satele of Sargon II". *Two Neo-Assyrian Sateleae from Iran*. Royal Ontario Museum Art and Archaeology Occasional Paper 23, pp.25-50, 66-75, pl.VII-XI.

47- Herzfeld, E.; 1930. *Archäologische Mitteilungen aus Iran II*, p.117.

48- Calmeyer, p.; 1974. "Zu einigen vernächlassigten aspekten Medischer Kunst". *Proceedings of the 2nd Annual Symposium on Archaeological Research in Iran*, p.113

۴۹ - صراف، محمدرحیم، ۱۳۶۸. «دگمنازه» - شهرهای ایران به کوشش محمدیوسف کبانی، ج ۱۳ تهران [فراموش آورنده] یا همکاری جهاد دانشگاهی، صص ۲۹۰-۳۱۱.

50-Dossin, G.; 1962. "Bronzes inscrits du Luristan dela collection Foroughi". *Iranica Antiana II*, pp.149-164

۵۱ - گزگوش پناه نشده تحت عنوان «قرات کتیبه منقوش بر شمشیر برنزی از آقای رسول بشاش».

۵۲ - سخنرانی آقای رسول بشاش تحت عنوان «شرح قرارت چهار مورد از کتیبه‌های منقوش بر اشیای فلز کلمنازه» در نخستین گردهم‌آیی باستان‌شناسان ایران پس از انقلاب اسلامی - فروردین ۱۳۷۳، شوش.

۵۳ - گورشین، زویس / ترجمه حبیبی بهنام، ۱۳۳۶. هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی (تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب)، ص ۴۸.

۵۴ - نگهبان، عزت‌الله، ۱۳۴۲. گزارش مقدماتی حفريات مارلیک (تهران مؤسسه باستان شناسی دانشگاه تهران اداره کل باستان شناسی)، ص ۲۷.

۵۵ - برای تازه‌ترین آگاهی‌ها دربارهٔ حفريات سنگریه به مقالهٔ زیر که کتابنامهٔ مفصلی دارد.

Dyson, R.H./ Muscarella, O.W.; 1989. "Constructing the Chronology and Historical Implications of Hasanlu IV". *Iran XXVII*, pp.1-27.

جدید در لابه‌های فوقانی آن کشف گردید، در آینده بتواند پروژه از بسیاری سوالات مربوط به آغاز دورهٔ تاریخی فلات ایران برآورد؟
کردانی، محمود، ۱۳۵۰. «کاوشهای علمی تپهٔ جفاگاوانه شادآباد غرب» - باستان‌شناسی و هنر ایران، شمار، ۸-۷، صص ۵۶-۵۱.

۳۳ - در مورد کتیبهٔ بیستون و تاریخ ایجاد آن به منبع زیر مراجعه شود.
دانشنامهٔ معجم / ترجمهٔ روحی ارماب، ۱۳۷۳. ایران در دوران ساسانی پادشاهان هخامنشی (تهران: علمی و فرهنگی، چاپ دوم).

۳۴ - دیاکوف، ای. م / ترجمهٔ کریم کشاورز، ۱۳۵۷. تاریخ ماک (تهران: پیام، چاپ دوم)، ص ۱۰۳.

۳۵ - کامبخش فرد، سیدالله، ۱۳۲۷. «سنگ‌نبشته‌های اطراف سیلان» - مجلهٔ باستان‌شناسی و هنر، شمارهٔ ۱، صص ۶۸-۷۱.

۳۶ - سرفراز، علی‌اکبر، ۱۳۲۷. «سنگ‌نبشتهٔ میخی اوراسانات» - بررسی‌های تاریخی، سال ۲، شمارهٔ ۳، صص ۱۳-۲۰ و ضمیمه.

۳۷ - برای کتیبهٔ کله‌شین بنگرید به:

Lehmann-Haupt, C.F.; 1928. *Corpus inscriptionum Chaldearum*. Textband I, pp.24-34 (Berlin-Leipzig).

۳۸ - در اینجا لازم است از مساهم و زحمات همکار باستان‌شناس احمد تهرانی‌مقدم (سرپرست موزهٔ ملی ایران) که خطر کرده و در روزهای جنگ (سال ۱۳۶۷) برای جابجایی هرچه بهتر سنگ‌نوشته و همچنین از همت همکاران ابراهیم حیدری (سرپرست میراث فرهنگی استان آذربایجان غربی) در نجات این اثر قدرتی گردد. اما چون محل مآلوف این اثر در فراز گردهٔ رواندوز خالی مانده است، چه بهتر خواهد بود کپی (مولژ) این سنگ‌نبشته در اندازهٔ ۱/۲ تهیه و در همان جای خود نصب گردد.

۳۹ - گابریل، آ / ترجمهٔ فتحعلی خواجهم‌نوری، ۱۳۳۸. تحقیقات جغرافیایی، جامع به ایران (تهران: این سینا)، صص ۳۰۹-۳۱۰.

۴۰ - صحبوی، جمشید، ۱۳۷۰. نگاهی به تاریخ و جغرافیای باندوباب - کتاب - شاهین‌دژ (تهران).

۴۱ - حاکمی، علی، ۱۳۲۷. «سنگ‌نبشتهٔ مربوط به زمان نرمدک آپادین» - مجلهٔ باستان‌شناسی و هنر ایران، شمارهٔ ۱، صص ۶۸-۷۱.

شاهه من‌نماید که در شوش نیز (گودرزوها) مشابه دیگری از پادشاهان هخامنشی کشف گردیده که شیل آنها را قرارت و در جلد ششم MDI چاپ و منتشر کرده است.

۴ - سخنرانی آقای رسول بشاش تحت عنوان «قرارت کتیبهٔ آراسی کان» در اولین گردهم‌آیی کتیبه و متون کهن - اسفند ۱۳۷۰، شیراز.

۴ - برای حفريات فلانگا، بنگرید به:

Muscarella, O.W.; 1971. "Qalatgah: An Urartian Site in North-Western Iran". *Expedition XIII (3-4)*, pp.44-49.

ای کتیبه بنگرید به:

Van Loon, M.N.; 1975. "The Inscription of Ishpait